

سلفی‌گری؛ از «طالقان» ایران تا «یوتا» آمریکا

علیرضا ضاحوا

بر خلاف تصور مرسوم سلفی‌گری^۱ به معنای بازگشت به گذشته^۲، این امر به گرایش افراطی میان اهل سنت در دین مبین اسلام محدود نمی‌شود. در جهان امروز دین‌داری که خواستار بازگشت به دوران طلایی گذشته‌شان باشند هم‌میان مسلمانان بسیارند و هم‌یهودیان و هم‌مسیحیان. آن‌ها گروه تشکیل می‌دهند، همراهی با عقل‌آموزی و دنیای جدید را بی‌دینی می‌نامند و سعی می‌کنند دین‌داران را به دین راستین (به تعبیر خودشان) بازگردانند. پیوریتن‌های مسیحی، یهودیان ارتدوکس و حتی جنبش‌های اجتماعی و فکری دور به ناسنس همگی موفقیت را در احیای عصر قدیم و بازگشت به دوران طلایی گذشته معنی می‌کردند. افراطی‌ترین تفسیر از این ایده تجددستیزانه در جوامع امروزی به شکل ایجاد جماعت‌های مذهبی خاص و دوری از زندگی مدرن تبلور یافته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا نمونه‌هایی از گرایش‌های سلفی‌گونه در ادیان و مذاهب مختلف ارائه شود.

اهل توقف طالقان

در منطقه «پدرس» واقع در شرق شهر طالقان مرکز بخش طالقان در شهرستان ساوجبلاغ واقع در غرب استان تهران، روستایی در کنار رودخانه شاهرود شکل گرفته، که میان اهالی طالقان به «ترک آباد»، «فانوس آباد»، «کوی منتظران» و «روستای ایستا» مشهور است. گذراندن شب در روشنائی فانوس و استفاده نکردن از برق، ترک زبان بودن، تأکید فراوان بر مقوله انتظار و توقف بر شیوه زندگی ۲۰۰ سال پیش، علل این نام‌گذاری‌های محلی است. آن‌ها از هر گونه مظاهر فناوری و تمدن جدید دوری می‌کنند و همین عزت‌گزینی و انتخاب‌زندگی رهبانی، هاله‌ای از شایعات و سخنان عجیب را اطراف آنان شکل داده است تا آن‌جا که اهالی بومی طالقان، گاه آنان را اسماعیلی مذهب و زمانی در اویش تارک دنیا و منتظر امام مهدی (عج) می‌دانند. در اصل این طایفه از پیروان میرزا صادق مجتهد تبریزی (۱۲۷۴-۱۳۵۱ ق) فقیه مشهور دوره مشروطیت هستند که با الهام از آرای تجددستیزان و چنین زندگی عجیبی را در زمانه تسلط مدرنیته سامان داده‌اند. آنان جمعی از شیعیان اثنی عشری هستند که بر تقلید از یک فقیه سنتی باقی مانده‌اند و شاید به همین دلیل عنوان «اهل توقف» نام مناسبی بر آنان باشد. میرزا صادق مجتهد تبریزی از آن فقیهانی است که در هر دو حیطه نظر و عمل بر طرد مطلق اندیشه تجدد و دستاورد هایش فراوان تأکید می‌کرد تا پایان عمر بر عدم جواز استفاده از ابزار تکنولوژیک و

امور جدید و مدرن فتوای داد. از دیدگاه میرزا صادق، حکومت که قانون‌گذار و مجری قانون است از آن خداوند است و سپس رسول او، آن‌گاه به ۱۲ امام منصوب و منصوب انتقال یافته است. در عصر غیبت کبری (از سال ۳۲۹ ق تا کنون به‌ویژه دوره مشروطیت) حکومت‌های عرفی، غاصب به‌شمار می‌روند چرا که مقام معصوم و حاکم الهی را غصب کرده‌اند. از دیگر سواویر این باور بود که نظام قانون‌گذاری جدید و عرفی مورد نظر مشروطیت با تمام مبانی و لوازم و فلسفه‌اش به‌طور بنیادین با نظام حقوقی و فقهی شیعه در تعارض است و اولی نمی‌تواند از درون دومی استخراج شود. شارع در فقه، خداوند و رسول (ص) و معصومان (ع) هستند و در قوانین موضوعه، انسان و جوامع‌اند. او تلاش برخی از نوگرایان برای نزدیکی در دیدگاه فقهی و نظام حقوقی جدید و عرفی را در قالب نظام مشروطیت غیر ممکن می‌دانست. بر همین اساس میرزا صادق از مخالفان سرسخت مشروطیت و پیامدهای آن بود به‌طوری که در سال ۱۲۹۲ خورشیدی با برخی از علما به محمدعلی شاه (ششمین پادشاه سلسله قاجاریه) تلگراف فرستاد و لغو مشروطیت را خواست. او همچنین بر خلاف حمایت برخی از حوزویان همانند شیخ فضل‌الله... (م ۱۳۲۷ ق) از نظریه «مشروطه مشروعه»، مخالف شدید این دیدگاه هم بود.

خاستگاه اصلی اهل توقف، شهر تبریز است. پس از وفات میرزا صادق، مقلدانش در آن شهر به یکی از شاگردان او به نام سید حسین نجفی طباطبایی (مدفون در قبرستان مارالان تبریز) رجوع کردند. پس از مرگ او، فرزندش سید جواد زعامت دینی اهل توقف را عهده‌دار شد. حدود ۱۳ خانوار بر جمعیت که همان هسته اولیه اهل توقف طالقان هستند با طرح شبهه در میزان دانش فقهی سید جواد، ناچار در سال ۱۳۶۶ خورشیدی با هدف جلوگیری از ایجاد تنش به منطقه‌ای در شهرستان تنکابن مهاجرت کردند. آن‌ها ۳ سال بعد به علت تحمل نکردن دشواری‌های پیش آمده محیطی در روند تولید گندم، تنکابن را به مقصد طالقان ترک کردند. آن‌ها وجود احادیث منزلت طالقان در آخر الزمان، گرایش مذهبی اهالی، آرامش و محیط زیست سالم و طبیعی و انجام نشدن پدیده‌های اصلاحات را ضی در آبادی‌های طالقان را عمده‌ترین دلایل انتخاب این منطقه برای سکونت قوم برمی‌شمارند. اهالی روستای ایستا تأکید می‌کنند که سبب اصلی هرپزیشان از زندگی امروزی به علت تشبه آن به زندگی کفار و بدعت بودن آن‌هاست.

به‌طور مثال تزریق خون را به کسی که برای ادامه زندگی‌اش به آن نیازمند است به

سبب بدعت روانی دانند و سلامت و عمر حاصل از این شیوه را نیز بی‌برکت توصیف می‌کنند. به زیارت امامان شیعه نمی‌روند زیرا استفاده از وسایل نقلیه امروزی را جایز نمی‌دانند. آن‌ها خود را مستطیع نمی‌دانند و به حج نمی‌روند چون عزیمت به آن شکلی که می‌خواهند، برایشان موانعی همانند گذر از مرز ادربی دارد. اوقات شرعی نماز را با شاخصه‌های خود استخراج و آغاز و پایان ماه مبارک رمضان را نیز با رویت خویش تعیین می‌کنند. به رویای صادق معتقدند و در تأیید روش زندگی خود به خواب‌های معنوی استناد می‌کنند. اهل توقف به شدت منتظر واقعه ظهور امام مهدی (عج) هستند و بر این نظرند که اکنون آخر الزمان است و آخر الزمان از دوره مشروطیت آغاز شده است. ایمان در نگاه آنان از جنس تعبد است. از همین منظر عقل را وظیفه ساز نمی‌دانند و وجود آن را فقط برای وظیفه‌شناسی ضروری می‌پندارند. در اعیاد و سوگواری‌ها نیز مراسم خاصی برقرار نمی‌کنند. هیچ کس تا کنون زن و دختران آنان را ندیده است. فرزندانشان پس از رسیدن به سن تکلیف مختارند که با آنان زندگی کنند یا به شهر تبریز بازگردند. هیچ گونه فعالیت سیاسی و اجتماعی نداشته و باورهای خود را تبلیغ نمی‌کنند. کم‌عیب‌ترین حکومت دوره غیبت کبری را تا حدودی سلسله قاجاریه می‌دانند، بر همین مبنا برخی از آنان تلاش می‌کنند که نسب خود را به قاجاریه برسانند. رویدادهای تاریخی سقیفه بنی ساعده (واقعه انتخاب جانشین پیامبر اکرم (ص) در سال یازدهم هجری قمری)، جنبش مشروطه خواهی ایرانیان و انقلاب کبیر فرانسه در قرن هجدهم میلادی را نقطه عطف رواج بی‌دینی و انحراف عقیدتی می‌پندارند. برای خرید احتیاجات خود همانند پارچه، برخی میوه‌ها مانند خرما، میخ و مقدار بسیار کمی آهن، شیشه و مانند این‌ها به شهر طالقان می‌روند و خودشان آهن‌گری و نجاری دارند. چندان مالکیتی برای اموالشان در میان خود نمی‌بینند و بر سر اموال، با کسی نزاع نمی‌کنند و اگر کسی در دارایی آنان تصرف کند، با او درگیر نمی‌شوند و از مال خود چشم‌پوشی می‌کنند. کسانی را در آن دهکده می‌توان سراغ گرفت که تنها ۳ یا ۴ بار به بیرون از محل سکونتشان رفته‌اند. امرار معاش آن‌ها از فروش املاک موروثی‌شان در شهر تبریز و فروش گاو و گوسفند صورت می‌گیرد. اهل توقف افراد غیر از خود را «اهل بیرون» می‌نامند.

در بخشی از زمین‌های آن روستا، کشاورزی و دامپروری کاملاً سنتی انجام می‌پذیرد. پرورش گاو، گوسفند، طیور (مرغ و خروس)، اسب و قاطر از دیگر فعالیت‌های آنان به‌شمار می‌رود. از اسب و قاطر برای تردد استفاده می‌کنند. چندین بار دیده شده است که در تردد و انجام امور کشاورزی از اتومبیل، بولدوزر، لودر و تراکتور استفاده کرده‌اند. آن‌ها در توجیه این گونه رفتارهای خلاف عادت می‌گویند: «به هنگام اضطرار ناچار از صنعت و ابزار جدید استفاده می‌کنیم». غذای این قوم، محلی و طبیعی بوده و مطابق حلال و حرام فقه شیعه است. خوراکی را که خاستگاه و چگونگی تولیدش را ندانند، مصرف نمی‌کنند و از تناول گندم و میوه‌هایی که با کود شیمیایی و سموم دفع آفات به عمل آمده باشد، به شدت پرهیز می‌کنند. فراوان از لبنیات تولیدی خودشان استفاده می‌کنند. گوشت کم می‌خورند آن‌هم از گوشت حیوانات حلال گوشت. از میهمانان خود با چای پذیرایی می‌کنند اما خود نمی‌نوشند. مردان در آن‌جا علاوه بر شلوار نخی یا پشمی دست‌باف، پیراهن بلندی برتن می‌کنند که تا زانورامی پوشانند و اغلب کلاه‌های پشمینه بر سر دارند. اهالی روستای ایستا شناسنامه ندارند و جزو آمار جمعیت ایران به‌شمار نمی‌روند و از امکانات رفاهی جدید مانند آب لوله‌کشی، گاز، برق، تلفن، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و باران و... استفاده نمی‌کنند. کودکان آن روستا برای علم‌آموزی به مدارس طالقان نمی‌روند بلکه به سبک سنتی و مکتب‌خانه‌ای

بر اساس سنن و رسوم مذهبی خود، از شما خواهشمندیم تا هنگام بازدید از اجتماع ما به گونه‌ای عقیف لباس بپوشید و رفتار کنید. این امر شامل موارد زیر می‌شود: پوشیدن دامن یا شلوار بلند، پوشیده بودن سینه‌ها، پوشیدن لباس‌های آستین‌دار حداقل تا رنج، استفاده از الفاظ مناسب، رعایت تفکیک جنسیتی در تمام اماکن عمومی. از احترام شما به ارزش‌های ما سپاسگزاریم و از بازدید خود لذت ببرید!

تابلوی ورودی روستای «کریاس جوئل» محل سکونت یهودی‌های سلفی در ۸۰ کیلومتری نیویورک

